



شهید آیت اله دکتر بهشتی

پیام امام، نشانه عمق رابطه ایشان با شهید مفتاح است....

داشتیم، ایشان هم بودند و به هر حال همین طور با هم مانوس بودیم تا سال ۱۳۴۹ که در من در تهران بودم و شهید مفتاح هم به تهران آمدند و ما با هم همسایه بودیم و انس و آشنایی و همکاری بیشتر بود و یک فعالیت تحقیقاتی را شروع کردیم. در شورای مرکزی روحانیت مبارز تهران، من و ایشان عضو قسمت شمیرانات بودیم و در شورای مرکزی هم بودیم. به هر حال با هم دوستی و همکاری نزدیک داشتیم. ایشان در جریان انقلاب در سال ۴۱ و ۴۲ شرکت فعال و مهیج داشتند و بعد هم در این دوره اخیر در راهپیماییها و ایجاد جلسات، نقش زیادی داشتند. وقتی که به مسجد جاوید رفتند به عنوان امام جماعت، آنجا پایگاهی بود برای سخنرانهای مؤثر و سازنده. بعد به مسجد قبا رفتند و نماز عید فطر قیصریه را برگزار کردند. در راهپیمایی روز ۴ شوال، ۱۶ شهریور زخمی شدند. اما در مورد رابطه ایشان با امام بزرگوار امت باید بگویم آقای مفتاح از شاگردان امام بودند در درس امام حاضر می شدند و

مرحوم دکتر مفتاح از دوستان قدیم من بودند و اولین آشنایی ما با هم در سال ۱۳۲۵ بود که به من قم مشرف شدم. در آن موقع که درس کفایه مرحوم آقای داماد را می رفتم، ایشان هم در همان درس حاضر می شدند و هم چنین در درس مکاسب هم با هم بودیم. آشنا بودیم. دوست بودیم. بعد در قم یک گروه فعال فرهنگی به وجود آوردیم و ایشان در آن گروه عضویت داشتند. در فاصله سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۶ دبیرستان دانش را به عنوان یک دبیرستان مترقی فرهنگی اسلامی تأسیس کردیم. بعد از یک سال، آقای دکتر مفتاح به عنوان دبیر همکاری را آغاز کردند و یکی دو سالی رسماً با آنجا همکاری داشتند. در اواخر سال ۱۳۳۹ و اوایل ۱۳۴۰، کانون اسلامی دانش آموزان قم را به وجود آوردیم و شهید مفتاح مسئولیت این کار را رسماً پذیرفتند و همکاری داشتند. بعد یک کار تحقیقی را آغاز کردیم که ایشان نیز عضویت داشتند. در جلسات بحثی که روزهای پنجشنبه با عده ای از برادرها

در مورد برادر عزیز و شهیدمان آیت الله دکتر محمد مفتاح، من از حدود سال ۱۳۳۲ با ایشان آشنایی داشتم. اولین مرتبه ایشان را در حوزه علمیه قم با عنوان یکی از طلاب فاضل و با استعداد و درس خوان حوزه. در آن سالها معمولاً طلبه های فاضل، درس اساتیدی را انتخاب می کردند که بیشتر حالت تحقیقی داشت و ایشان در اینگونه مجالس حوزه ای و درسی شرکت می کردند. بعدها ایشان به عنوان یک مدرس در حوزه علمیه قم، مدرسی که فلسفه را خوب فهمیده بود و خوب درس می گفت، به اصول و فقه خوب آشنا بود و گذشته از دروسهای حوزه ای، فقه و اصول و ادبیات، به دروس دانشگاهی و علمی جدید هم آشنایی و علاقه داشت و دکترای الهیات را در دانشگاه تهران گذرانده بود، خیلی زود مورد استقبال قرار گرفت. درس ایشان و معلومات ایشان بدینگونه بود که به

از پیشکسوتان مبارزه...

شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر

صورت استاد در آن دانشکده مشغول تحصیل شدند و البته سابقه فرهنگی ایشان از دیرباز بود و همیشه ایشان علاقه به مسئله تربیتی و تعلیم داشتند و در عین حال فردی مبارز و سختکوش و جدی بودند. در سالهای حدود ۳۹ تا ۳۸ ما شاهد خبرهای پر شور ایشان در استان خوزستان بودیم. بعد از آن به عنوان کسی که پیشقراول بودند، در سخنرانیهای داغ و پر شور شرکت می کردند و دنباله مبارزات ایشان همراه بود با انقلاب اسلامی در سالهای اخیر و از پیشکسوتان مبارزه بودند. چهره ایشان برای همه شناخته شده بود. نماز عید فطر را ایشان با سخنرانی داغ برگزار کردند و بعداً راهپیمایی شد که مبدأ تمام راهپیماییها در سراسر کشورمان شد. یادش گرامی و روحش شاد باد. امیدوارم که دانشجویان عزیز ما و طلاب حوزه علمیه قم ما بتوانند راه ایشان را ادامه دهند.

در مورد برادر عزیز و شهیدمان آیت الله دکتر محمد مفتاح، من از حدود سال ۱۳۳۲ با ایشان آشنایی داشتم. اولین مرتبه ایشان را در حوزه علمیه قم با عنوان یکی از طلاب فاضل و با استعداد و درس خوان حوزه. در آن سالها معمولاً طلبه های فاضل، درس اساتیدی را انتخاب می کردند که بیشتر حالت تحقیقی داشت و ایشان در اینگونه مجالس حوزه ای و درسی شرکت می کردند. بعدها ایشان به عنوان یک مدرس در حوزه علمیه قم، مدرسی که فلسفه را خوب فهمیده بود و خوب درس می گفت، به اصول و فقه خوب آشنا بود و گذشته از دروسهای حوزه ای، فقه و اصول و ادبیات، به دروس دانشگاهی و علمی جدید هم آشنایی و علاقه داشت و دکترای الهیات را در دانشگاه تهران گذرانده بود، خیلی زود مورد استقبال قرار گرفت. درس ایشان و معلومات ایشان بدینگونه بود که به

